



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۵ آذر ۱۳۹۷

مصادف با: ۸ ربیع الثانی ۱۴۴۰

جلسه: ۳۵

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط ششم؛ مستعمل در خبث نبودن آب وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

میلاد با سعادت یازدهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، حضرت امام حسن عسکری (ع) را به محضر مقدس حضرت بقیة الله الأعظم، امام زمان (عج) و شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض می‌کنیم.

امام حسن عسکری (ع) فرموده است: «...هُمْ الَّذِينَ لَا يَرَاهُمُ اللَّهُ حَيْثُ نَهَاَهُمْ وَلَا يَفْقِدُهُمْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ...»<sup>۱</sup>.

امام حسن عسکری (ع) در روایت مذکور، فرموده است که شیعیان امام علی (ع)، در جایی که خداوند متعال از حضور در آنجا نهی کرده است، حضور ندارند و در جایی که خداوند متعال امر کرده است که حضور داشته باشند، غایب نیستند [یعنی در جایی که نباید باشند، نیستند و در جایی که باید باشند، هستند و حضور دارند].

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که ششمین شرط از شرائط وضو این است که آب وضو در رفع خبث استعمال نشده باشد؛ هرچند که پاک باشد؛ مثل آب استنجاء با شرائطی که ذکر آن گذشت.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آب استنجاء پاک است یا آب استنجاء نجس است، لکن ملاقی با آن نجس نمی‌شود؟ دو فرض در این رابطه مطرح است؛ اول، اینکه آب استنجاء پاک است و طبعاً ملاقی با آن نیز پاک است؛ دوم، اینکه آب استنجاء نجس است، لکن ملاقی با آن پاک است و عموماً دال بر منجس بودن نجس و متنجس، تخصیص خورده‌اند. در جلسه گذشته عرض شد که عده‌ای قائل شده‌اند که آب مستعمل برای استنجاء، نجس است و دلیل آنها این بود که آب استفاده شده برای استنجاء، آب قلیل است و آب قلیل با ملاقات با نجس، نجس می‌شود. نکته دومی که مطرح شد، این بود که نجس و متنجس، منجسند.

در ادامه به روایت عمار بن موسی الساباطی اشاره شد و گفته شد که از این روایت استفاده می‌شود که آب استنجاء نجس است، اما عرض شد که روایاتی وجود دارند که بر عدم نجاست ملاقی با آب استنجاء دلالت دارند و از این روایات فهمیده می‌شود که آب استنجاء، یا پاک است یا متنجس است که منجس نیست. روایات مورد استناد در رابطه با لباس وارد شده‌اند، ولی از باب الغاء خصوصیت گفته شده است که در فرض مذکور، بین لباس و غیر آن فرقی نیست. در جلسه گذشته روایت اول ذکر شد و در ادامه آن روایت بررسی می‌شود.

۱. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۵، ص ۱۶۳.

روایت اول از نظر سند ضعیف است زیرا با اینکه تعبیر «عن رجل» که در سند این روایت آمده است، حاکی از مسند بودن آن است، لکن این روایت در حکم روایت مرسل است.

ممکن است که گفته شود که یونس بن عبدالرحمن از اصحاب اجماع است لذا مراسیل ایشان قابل اعتماد است، لکن عرض می‌شود که فرقی بین مراسیل اصحاب اجماع و غیر اصحاب اجماع نیست، بنابراین، روایت مرسله مذکور، قابل استناد نیست؛ هرچند که یونس بن عبدالرحمن از اصحاب اجماع است. [البته این نظر مرحوم آیت الله خویی (ره) است، ولی به نظر مختار، اصحاب اجماع از ثقه نقل روایت می‌کنند].

همچنین، دلالت روایت مذکور، تمام نیست و این روایت حکم روایت مجمل را دارد چون تعلیلی که در ذیل این روایت آمده است، کبرایی است که مصداقی غیر از این مورد ندارد؛ در حالی که کبریات باید مصادیق متعدد داشته باشند. تعلیل این بود که امام صادق (ع) فرموده است: «إِنَّ الْمَاءَ أَكْثَرُ مِنَ الْقَذَرِ» و معنای این کبری که در تعلیل امام (ع) آمده است، این است که در هر موردی که آب بیشتر از نجاست باشد، مشکلی ندارد، لکن اشکال این است که این کبری یک مصداق بیشتر ندارد و آن مصداق، موردی است که آب استنجاء با چیزی ملاقات کند و مصداق دیگری ندارد.

**روایت دوم:** عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْأَحْوَلِ، يَعْنِي مُحَمَّدَ بْنَ النُّعْمَانِ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَخْرُجُ مِنَ الْخَلَاءِ، فَاسْتَنْجِي بِالْمَاءِ، فَيَقَعُ ثَوْبِي فِي ذَلِكَ الْمَاءِ الَّذِي اسْتَنْجَيْتُ بِهِ؛ فَقَالَ: «لَا بَأْسَ بِهِ»<sup>۱</sup>.

روایت مذکور، سنداً مشکلی ندارد، اما دلالت این روایت تمام نیست زیرا معنای «لا بأس» که در کلام امام (ع) آمده است، مشخص نیست زیرا ممکن است که این عبارت به وقوع لباس در آب مربوط باشد که در این صورت، معنایش این می‌شود که ملاقی با آب استنجاء مشکلی ندارد و ممکن است که «لا بأس» به خود لباس برگردد، یعنی لباس پاک است. به هر حال، مراد از «لا بأس» معلوم نیست لذا عبارت مذکور، دقیقاً پاک بودن یا نجس بودن آب استنجاء را ثابت نمی‌کند، یعنی حتی وقتی به پاکی لباس حکم می‌شود نیز معلوم نیست که این حکم به خاطر استثناء آن است یا به خاطر پاک بودن آب استنجاء است.

**روایت سوم:** عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ اسْتَنْجِي ثُمَّ يَقَعُ ثَوْبِي فِيهِ وَ أَنَا جُنْبٌ؛ فَقَالَ: «لَا بَأْسَ بِهِ»<sup>۲</sup>. اگر گفته شود که این روایت به قرینه «و أنا جنب» ناظر به نفی بأس از آنچه غسله منی با آن ملاقات کرده است، می‌باشد، ربطی به موضوع، مورد بحث [ماء الإستنجاء] ندارد، بلکه این روایت، می‌تواند از ادله دال بر عدم انفعال آب قلیل با ملاقات با نجس، شمرده شود، اما نمی‌تواند دلیل بر پاکی آب استنجاء باشد.

اما ممکن است گفته شود که این روایت ناظر به نفی بأس از چیزی است که با آب استنجاء ملاقات کرده است. اگر سؤال شود که قید «و أنا جنب»، به کجا برمی‌گردد، عرض می‌شود که آن‌گونه که بعضی از بزرگان فرموده‌اند، سابقاً توهم این معنا وجود داشت که آب ملاقی با بدن شخص جنب، نجس می‌شود لذا در روایت تعبیر «و أنا جنب» هست و امام (ع) فرموده است که اشکالی ندارد. در صورتی که «لا بأس»، مربوط به آب استنجاء با ملاقی آن باشد، این روایت مثل روایت سابق است، یعنی پاک بودن آب استنجاء از این روایت استفاده نمی‌شود چون محتمل است که آب استنجاء پاک باشد و در نتیجه، ملاقات با آن مشکلی نداشته

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الماء المضاف، باب ۱۳، ص ۲۲۲، ح ۱.

۲. همان، ص ۲۲۳، ح ۴.

باشد و محتمل است که گفته شود که آب استنجا نجس است، لکن ملاقی با آب استنجا نجس نمی‌شود و این یک مورد، استثناء شده است.

روایت چهارم: عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عُتْبَةَ الْهَاشِمِيِّ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ يَقَعُ ثَوْبُهُ عَلَى الْمَاءِ الَّذِي اسْتَنْجَى بِهِ؛ أَيْنَجَسُ ذَلِكَ ثَوْبُهُ؟ قَالَ: «لَا»<sup>۱</sup>.

گفته‌اند که این روایت در این صراحت دارد که آب استنجا نجس نیست. البته در همین مورد نیز می‌توان گفت که ممکن است که آب استنجا نجس باشد، لکن ملاقی با آن آب نجس نمی‌شود زیرا نجس نشدن ملاقی با آب استنجا اعم از این است که آب استنجا پاک باشد یا اینکه آب استنجا نجس باشد، لکن ملاقی با آن استثناء شده باشد [، یعنی ملاقی با هر نجس و متنجسی نجس است مگر ملاقی با آب استنجا که نجس نیست] و گفته شود که ملاقی با آب استنجا، نجس نمی‌شود؛ هرچند که خود آب استنجا نجس است.

نتیجه، اینکه روایات مذکور، از حیث نجاست یا طهارت آب استنجا ساکنند و طهارت آب استنجا را نمی‌توان با استناد به این اخبار ثابت کرد و فقط طهارت ملاقی با آب استنجا را می‌توان با این اخبار ثابت کرد.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که حکم طهارت ملاقی آب مستعمل در استنجا، آیا مستلزم حکم به طهارت خود آب است یا مستلزم حکم به طهارت آب نیست؟ یعنی آیا می‌توان از طریق استلزام، به طهارت خود آب استنجا نیز حکم کرد یا نمی‌توان چنین حکمی کرد؟

به عبارت دیگر، آیا از باب ملازمه عقلی یا ملازمه عرفی می‌توان به طهارت آب استنجا حکم کرد؟ به این معنا که حکم به طهارت ملاقی با آب استنجا، از طهارت خود آب استنجا حکایت دارد و ملازمه بین ملاقا و ملاقی از حکم عقل یا عرف به دست می‌آید.

در رابطه با استلزام عقلی [که گفته شود که لازمه حکم به طهارت ملاقی، این است که به طهارت خود آب استنجا حکم شود]، گفته شده است که هیچ ملازمه عقلی در این مورد وجود ندارد چون احتمال داده می‌شود که در عین نجس بودن خود آب استنجا، ملاقی با آن نجس نباشد و عقل می‌گوید که ممکن است که عمومات دال بر منجس بودن نجس و منجس در این مورد تخصیص خورده باشند لذا در عین حال که آب استنجا نجس است، ملاقی با آن نجس نمی‌شود. بنابراین، ملازمه عقلی ثابت نیست و لذا نمی‌توان با تمسک به ملازمه عقلی به طهارت آب استنجا حکم کرد لذا استعمال آن آب برای رفع حدث و خبث جایز نیست.

اما آیت الله خویی (ره) و بعضی دیگر از بزرگان گفته‌اند که بین عدم نجاست ملاقی و حکم به طهارت ملاقا [آب استنجا] ملازمه عقلی نیست، لکن ملازمه عرفی وجود دارد؛ به این معنا که عرف از عدم نجاست ملاقی با آب استنجا، می‌فهمد که خود آب استنجا نیز پاک است. عرفاً بعید است که چیزی نجس باشد، ولی ملاقی با آن پاک باشد، مثل اینکه مقلد در رابطه با آب استنجا که با لباس او ملاقات کرده است، از مجتهد سؤال کند و مجتهد بگوید که اشکالی ندارد. آنچه مقلد در این فرض، برداشت می‌کند، این است که خود آب استنجا نیز پاک است چون اگر پاک نبود، نباید به طهارت ملاقی با آن حکم می‌شد لذا مقلد اصلاً از حکم خود آب استنجا سؤال نمی‌کند چون بعد از اینکه مجتهد گفت که ملاقات با آب استنجا مشکلی ایجاد نمی‌کند، فهمیده می‌شود

۱. همان، ح ۵.

که پس خود آب استنجا نیز پاک است. پس عرفاً بین حکم به طهارت ملاقی با آب استنجا و طهارت خود آب استنجا ملازمه وجود دارد. در نتیجه، تمام آثار بر آب استنجا بار می شود لذا وضو گرفتن با این آب نیز اشکالی ندارد. بنابراین، شرط ششم که از طرف مرحوم سید (ره) مطرح شد، وجهی ندارد چون مرحوم سید (ره) فرمود که وضو با آب استنجا جایز نیست.

«الحمد لله رب العالمین»